

## نظری باصلاح روحانیت

پس از این مقدمه دروغی نتیجه میگیرد که (چون این عنوان برای روحانی ثابت شد هیچکس نتوانست بقصد اصلاح دستی باین دستگاه دراز کند و خورده گیری کند تا در نتیجه باینصورت درآمد) ما هرگز نمیگوئیم که این طبقه یکسره خوب و منزهند و برای اصلاح آنها نباید قدمی برداشت اینها هم مثل سایر طبقات خوب و بد دارند و بدهای آنها از همه بدها فساد و ضررشان بیشتر است چنانچه خوبهای آنها از تمام طبقات نفعشان هم برای مردم و هم برای کشور و استقلال آن بیشتر و بالاتر است لکن اصلاح آنها را امثال رضاخان که نمی دانست روحانی را باهاه و هوزمینویسند یا باحاه حطی نباید بکند کسی که گفته بود من يك سرباز دزد را از تمام معارف ایران بالاتر و بهتر میدانم او معنی روحانی و معارف را نمیداند گرچه معارف آنروز از سرباز دزد هم خیلی ننگین تر بود لکن او فهم صلاح و فساد نداشت و فشارهای او بر روحانین برای اصلاح نبود او میخواست ریشه را از بیخ بکند لکن بقول شما نتیجه معکوس شد (لا يزال يؤید هذا الدین بالرجل الفاسق) دولت نیز نمیتواند و حق هم ندارد که اصلاح این طبقه را بکند او نیز تخصص در این رشته ندارد و عقل اینکار را ندارد از اینجهت دیدیم که مدرسه سپهسالار را که بنام دانشکده معقول و منقول تاسیس کردند نتیجه معکوس از آن گرفتند محصلین آنجا را که روحانی دوره بعد میخواستند بشوند و تهذیب اخلاق و روح نسل آتیه کنند در صف دخترهای برهنه بمشق و رقاصی و ادا کردند اکنون هم مدارس تا بدست دولت و عمال دولت است روزگارش همان وضعیت اسف آورا است امثال شماها هم که در يك کتابچه چند صفحه دست کم ده هادروغ گفته و خیانت کرده و برخلاف وجدان و خرد سخن رانید قابل این نیستید که دستی باین دستگاه دراز کنید کسی میتواند دست اصلاح باین دستگاه دراز کند که چند شرط زیر را داشته باشد :

- (۱) تخصص در علوم روحانیه که سخنهای او کور کورانه و از روی جهالت نباشد
- (۲) علاقه مندی بدیانت و روحانیت و عقیده باینکه روحانیت در کشور لازمست